

فلسفه پوشش در فرهنگ اسلام و غرب و علل بد حجابی

محمدباقر شریعتی سبزواری

اهمیت پوشاندن موهای زنان

پوشاندن موهای سر و سایر مواضع زینت، نه فقط یک دستور استجابی، بلکه از ضروریات اسلام و فرائض مهم دینی است و در قرآن مجید و احادیث پیامبر و امامان معصوم، به صورت متواتر و صریح مطرح گردیده است. در سوره احزاب می‌فرماید: «یا ایها النبی قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی أن یرفن فلا یؤذین»^۱ ای پیامبر، به زنان و دخترانت و نیز به بانوان مؤمن بگو که خویشتن را با لباس سراسری بپوشانند. این امر نزدیک‌ترین راهی است که (به عفت و حریت) شناخته شوند و مورد آزار پلهوسان قرار نگیرند». با نگاهی به جامعه کنونی خود نیز در می‌یابیم که جوانان و مردان هوس‌باز بیش‌تر متعرض بانوانی می‌شوند که حجاب کامل ندارند.

خداوند در سوره نور نیز می‌فرماید: «به بانوان مؤمن فرمان بده تا مواضع زینت و جمال خود را از نامحرمان بپوشانند». بدون شک موهای سر بانوان از مصادیق روشن جمال و زیبایی است. اگر خانمی موی سر نداشته باشد، حاضر است هزینه‌های سنگینی بپردازد تا موهایش ترمیم شود. پوشاندن موها از جاذبه و زیبایی زن می‌کاهد و به همین دلیل، بسیاری از بانوان مؤمن و حتی زائر عتبات مقدسه، دانسته یا ندانسته، تمایل به پوشاندن موهای جلو سرشان ندارند و اصرار دارند مقداری از موها از چادر یا روسری بیرون بماند که بر دیگر بانوان واجب است این منکر رایج را از راه‌های صحیح و محبت‌آمیز گوشزد کنند. در این مقاله برآنیم تا علل و عوامل پوشش ناقص بانوان را بررسی کنیم.

تأثیر جهان‌بینی در پوشش

بهتر است ابتدا به مقایسه جهان‌بینی دینی با فرهنگ غربی و سپس به علل این پدیده نوظهور در بلاد اسلامی بپردازیم. بی‌تردید جهان‌بینی هر ملتی نقش تعیین‌کننده‌ای در بسیاری از شئون زندگی دارد که به حکم «ظاهر عنوان و نماد باطن است»، در نوع لباس و شکل پوشش نیز اثر محسوس و ملموس می‌گذارد. کیفیت پوشش زنان و مردان علاوه بر این‌که تابع شرایط اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی است، به شدت از جهان‌بینی و ارزش‌های حاکم بر فرهنگ و تاریخ آن جامعه نیز سرچشمه می‌گیرد. شاید بتوان گفت سنت‌ها و عادات جاری در زندگی، بسته به نوع بینش و فرهنگی است که جوامع درباره «انسان» دارند. در فرهنگ و تمدن غرب، «انسان» یک عنصر مادی است که در تمام عرصه‌ها لازم است حضور فعال داشته باشد. وانگهی غربی‌ها با ترویج مکتب اومانسیم (اصالت انسان) و سکولاریسم (حذف دین از سیاست)، دین و معنویت را از صحنه زندگی خارج ساخته و آن را به کلیساها، کنیسه‌ها، مسجدها و سایر پرستشگاه‌ها منتقل کرده‌اند. از نظر آنان اخلاق و معنویت باید به حاشیه زندگی رانده شود و از حیات مادی جدا باشد و می‌بینیم که فرهنگ و تمدن غربی از همین شیوه پیروی می‌کند.

| | |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| گلوئی غرب برون داد چون صدای تمدن | به گوش شرق رسانید چون ندای تمدن |
| وفا و عاطفه و رحم و مهر و صدق صفا | شدند جمله به قربان خاک پای تمدن |
| مکن سؤال که او شتاب‌کنان | وداع کرد و روان گشت در فضای تمدن |
| شراب و رقص و ملاقات‌های نامشروع | وفور یافته از پرتو لقای تمدن |

جلوه و نمودار یک زندگی مادی با تمام ابعادش در جوامع غربی به گونه‌ای است که در آن معنویت و دین اصالت خود را از دست داده است. انسان در این بینش خلیفه خدا و حامل روح الهی نیست، بلکه ترکیبی از همان چشم و گوش و عقل و هوش و مو و چهره و اندام است. از این‌رو لباس در این فرهنگ وسیله‌ای برای پوشش بدن نیست، بلکه برای آرایش تن و زیبایی اندام است. البته دین اسلام، ما را یک‌سره از جسم و تن و دنیا و لذایذ آن جدا نمی‌سازد، بلکه آمده است تا ما را از افراط و تفریط در ماده و معنا هر دو باز دارد و به اعتدال برساند؛ زیرا انسانی که فقط به دنیا و منافع آن پرداخته و به کلی خویش را از معنویت جدا ساخته، به مثابه آن است که یک‌پای خود را به گاری (از نظر دنیوی) و پای دیگرش را به سفینه فضایی (از نظر علمی) بسته باشد که نتیجه آن دو شقه شدن او است. اسلام با وجود حساسیت در شکسته‌شدن قداست پوشش و عفاف زنان، هرگز آنان را از حضور در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تجاری منع نمی‌کند، بلکه در بعضی از موارد حضورشان را در مسائل اجتماعی واجب و مطلوب می‌شمارد؛ مانند حضور در حج، جهاد، نماز جمعه و مراکز آموزشی برای کسب تخصص لازم.

پاسخ به چند سؤال

شاید این شبهه در ذهن بعضی افراد باشد که حجاب برای زن به منزله پرده‌نثینی بانوان است و باعث محدودیت و مهجوریت آن‌ها از جامعه می‌شود؛ چنان‌که سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه، اظهار می‌داشت که حجاب، بانوان را از هویت اصلی باز می‌دارد و از مزایای اجتماعی محروم می‌سازد.

در پاسخ باید بگوییم: پوشش اسلامی بازگشت زن به هویت اصلی است و مردان بوالهوس را از تمتعاتی چون چشم‌چرانی و... باز می‌دارد. از حسن اتفاق پوشش، وقار و عظمتی به زن می‌دهد که از حقوق اجتماعی خویش دفاع کند و نامحرمان را از کامیابی‌ها محروم سازد. همین پوشش در الجزایر عامل جهاد در برابر ارتش سرّی فرانسه بود. به همین دلیل سردمداران فرانسوی نسبت به حجاب اسلامی کینه دارند.

برخی دیگر می‌گویند: اسلام با وجوب حجاب، زنان را به دست شوهر و یا خانواده زندانی ساخته و به طور کامل خروج و فعالیت زنان را وابسته به رضایت آنان کرده است. این سخن نیز نادرست است؛ چون در بیش‌تر قرآنی قانون پوشش و حجاب زن نه مربوط به خواسته مرد است و

نه خانواده‌اش، تا رضایت و عدم رضایت آن‌ها کارساز باشد، بلکه حجاب مربوط به شخصیت اوست و یک مسئولیت الهی بر دوش زن می‌باشد. به همین جهت، در فرهنگ غرب اگر زن همسرداری روابط نامشروع داشته باشد، با جلب رضایت همسر مسئله خاتمه می‌یابد، ولی پاسداشت حرمت زنان در اسلام، اختصاص به خودشان و شوهر و خانواده و برادر و خواهر و فرزند ندارد. از این‌رو اگر تمامی بستگان به روابط نامشروع او راضی شوند، اسلام باز هم رضایت نمی‌دهد و اگر زن توبه واقعی نکرده باشد و گناهِش با موازین شرعی ثابت گردد، حد شرعی را بر وی اجرا می‌سازد؛ چرا که عفت و حجاب زن، حق‌الله است، نه حق‌الناس.

آسیب‌های بدحجابی

اسلام معتقد است برهنگی و بدحجابی ارزش زن را کاسته، او را به انحطاط اخلاقی می‌کشاند، تا آن‌جا که او مجبور است در جامعه بر «زن بودن» خود تکیه کند، نه به انسان بودن.^۲ در بینش الهی و معنوی این حقیقت درباره زنان روشن است که لباس را برای بهتر نشان دادن بدن به مردان نمی‌پوشند، بلکه پوشش وسیله‌ای برای پنهان‌سازی زیبایی‌های خود از چشم نامحرم و ابزاری برای حفظ بدن از سرما و گرم است. حجاب برای آنان یک حریم و یک سنگر حفاظت است. آنان می‌خواهند با پوشش مناسب، از تحریکات جنسی کاسته شود، نه این‌که بر التهابات بیفزایند. از این‌رو در زبان فارسی به لباس «تن‌پوش» گفته می‌شود که از مصدر پوشیدن گرفته شده است. در عربی «لبس» از مصدر «لبس» به معنای به اشتباه افتادن و شناخته نشدن است. در زبان انگلیسی کلمه dress که ریشه در واژه لاتینی دارد و از diechus گرفته شده، به مفهوم مرتب کردن و آراستن می‌باشد و پیداست که در زبان انگلیسی آراستگی به معنای زیبایی است. به پوشش و عفت در لغت فرانسه habit به معنای رخت و لباس و halite به معنای جای گرفتن و ساکن شدن و منزل کردن گفته می‌شود.

بی‌تأثیری حجاب در حضور اجتماعی زنان

با حضور زنان در جامعه، نیمی از اعضای جامعه فعال و با عدم حضور آنان نیمی از آن فلج می‌گردد، اما این حضور اجتماعی باید توأم با حفظ کرامت و عفت عمومی باشد؛ چرا که جامعه یعنی تبدیل شدن «من‌ها» به «ما». وقتی زن وجود خود را فقط در «بدن و اندام زیبای» خود بدانند، به جای پرداختن به مشکلات اجتماعی، مقدار زیادی از وقت خود را به اندام و آرایش اختصاص می‌دهد و نگاه دیگران را نیز به خود معطوف و مشغول می‌سازد و به طور ناخودآگاه روحیه منیت، خودپرستی، هرزگی، جلوه‌گری، خودنمایی و طنزازی خویش را در برابر بوالهوسان و جوانان مجرد به نمایش می‌گذارد، بر خلاف زنی که با پوشش کامل وارد عرصه جامعه می‌شود و ضمن پای‌بندی به حدود اسلامی، به وظایف تحصیلی و شغلی خود نیز عمل می‌کند؛ همان‌گونه که در مراسم حج عمره با وجود پوشیدن لباس احرام که فقط دست و صورت‌شان پوشانده نمی‌شود، همه مناسک خود را انجام می‌دهند، بدون آن‌که باعث جلب توجه مردان شوند. زنان و مردان با گذرانیدن این مراحل تربیتی و تمرین اطاعت، فضای عفت و پاک‌ی را به ارمغان آورند. اگر زن با یک لباس ساده تمام بدن و سر و موها جز چهره و دست‌ها را تا میچ پوشاند، کفایت می‌کند. چنین حجابی نه تنها مانع از هیچ‌گونه فعالیت اجتماعی نمی‌شود، بلکه بر شعاع فعالیت زنان می‌افزاید. به عکس آن تبرج، خودنمایی و پوشیدن لباس‌های تنگ و مدهای رنگارنگ، بانوان را به آزادی روابط جنسی و فساد اخلاقی تشویق می‌کند و کار و فعالیت آن‌ها را بسیار تنزل می‌دهد. شهید مطهری می‌نویسد: «اسلام می‌خواهد با وجوب حجاب، انواع التذاذات جنسی و لذایذ عاطفی را از نظر بصری و لمسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص دهد و محیط اجتماعی برای کار و فعالیت باشد و بس، عکس سیستم غربی که کار و فعالیت را با لذت‌جویی و کام‌روایی درهم آمیخته است. اسلام می‌خواهد این دو محیط را از هم تفکیک کرده باشد.»^۳

همان‌گونه که گفته شد، قرآن حجاب را نوعی حرمت برای زنان مسلمان در خارج از خانه می‌داند. به همین دلیل نگاه به زنی که خود حجاب را رعایت نکند، بدون انگیزه شهوانی و آلوده و بدون خوف افتادن در گناه، حرمت ندارد؛ مانند زنان بادیه‌نشین و اهل کتاب و بانوان غیر مسلمان یا زنان سهل‌انگار که از این احترام و حرمت نظر بی‌بهره‌اند. البته مقصود برخی از این بانوان جلب توجه و نگاه مردان و بوالهوسان نیست، لیکن نتیجه در معرض دید قرار گرفتن موها آن است که چشم‌چرنان از این گناه در امان نمی‌مانند.

در آیاتی که از سوره‌های احزاب و نور نقل کردیم، خدای متعال به پیامبرش دستور می‌دهد که زنان مؤمن خویششان را با جلباب (حجاب سراسری) ببوشانند تا به بدی شناخته نشوند و مورد اذیت و آزار نامحرم قرار نگیرند. آری، چشم مشاهده می‌کند و دل به دنبال آن کشیده می‌شود و این‌گونه زنان ممکن است مورد آزار و اذیت قرار گیرند و حرمت آزادی آنان شکسته شود.

در سوره نور به گونه مبسوط می‌فرماید: «و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن و لا یدین زینتهن الا لبعولتهن او آبائهن؛^۴ به زن‌های مؤمن بگو: چشمان خود را از نامحرم

فروپوشند و عفت خود را حفظ کنند و زینت‌ها و زیبایی‌های خود را، جز آن‌چه طبیعتاً نمایان است، با مقنعه زیر گلو و سینه‌ها را ببوشانند و زیبایی‌های خود را در برابر نامحرم ظاهر نسازند. فقط در مقابل شوهران، پدران، برادران و سایر محارم می‌توانند نمایان سازند.»

۱. در یکی از شهرها به تقاضای جمعی از خواهران کلاس عقیدتی تشکیل داده بودم. در پایان کلاس، گروهی از آنان ابراز تشکر کردند که تو به ما به چشم یک زن نگاه نکردی، بلکه به عنوان انسان با ما برخورد می‌کردی! از سخن آنان تعجب کردم و پس از تحقیق دریافتم که که متأسفانه در آن شهر اکثر خانواده‌ها پسر را انسان می‌دانند، نه دختر و زن را.

۲. رک: شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۴.

۳. نور (۲۴) آیه ۳۱.

به مردان مؤمن نیز می‌فرماید: «**قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ**؛ به مردان مؤمن نیز بگو باید از چشم‌چرانی خودداری کنند» و عفت خود را نگهدارند؛ چنان‌که زن‌ها نباید کاری کنند که موجبات تحریک جوانان را فراهم آورند و لذا یزد جنسی و عاطفی را از چارچوب مشروع و معقول خارج سازند.

فتوای مراجع تقلید

پوشاندن موها و همه مواضع زینت، واجب است. در این زمینه تمام مراجع تقلید در رساله‌ها بدین مضمون می‌فرمایند: واجب است زن بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند، بلکه بنا بر احتیاط واجب بدن و موی خود را از پسر نابالغی که زشت و زیبا را تشخیص می‌دهد نیز بپوشاند، ولی اگر قصد نشان دادن صورت و دست‌های خود را به نامحرم داشته باشند و مرد نیز به قصد لذت به آن بنگرد، در این صورت ملزم است آن‌ها را نیز بپوشاند و هم‌چنین اگر زن بداند که نامحرم به قصد لذت به وی نگاه می‌کند؛ اگر چه خودش به قصد نگاه کردن نامحرم صورت و دست‌های خود را بپوشاند، ظاهر نساخته باشد. برخی از مراجع احتیاط واجب کرده‌اند از چنین افرادی نیز باید چهره و دست‌های خود را بپوشاند.^۱

در میان فقهای سنی و شیعه از گذشته تاکنون هیچ فقیهی نگفته که پوشانیدن «چند تار مو» بر زنان مسلمان واجب نیست و اشکالی ندارد، بلکه همه آنان بر وجوب پوشاندن همه موها در زیر مقنعه و یا روسری فتوا داده‌اند و از سوی دیگر بر مردها نیز نگاه به موی زن و سایر مواضع زینت، اگر چه به قصد لذت نباشد، حرام تلقی شده است. فقط صورت و دست‌ها تا میچ استثنای گردیده است که آن هم مشروط بر این است که ساده و بدون آرایش باشد.

علل بدحجابی

اکنون از بانوان مسلمان این پرسش را داریم: با تمام تأکیداتی که اولیای اسلام و مراجع تقلید بر پوشش کامل اندام بانوان عموماً و پنهان ساختن «موها» به گونه‌ای خاص دارند، چرا غالب بانوان محترم حتی زائران امام هشتم و زوار مکه و عتبات به این دستور الهی و آسمانی بی‌اعتنا یا بی‌توجه می‌باشند و عمداً یا سهواً قسمتی از موهای خود را بیرون می‌گذارند و در معرض دید نامحرمان قرار می‌دهند؟ نگارنده یقین دارد که بسیاری از بانوانی که حجاب ناقص دارند و بخشی از موها را بیرون می‌گذارند، پای‌بند به دین و رساله مراجع تقلید هستند. از این‌رو باید دست اندرکاران دین و فرهنگ به خصوص آموزش و پرورش ریشه اصلی این عمل ناهنجار را پیدا کنند و تا علت‌های اصلی روشن نشود، نصیحت و تذکر و مواعظ تأثیر چندانی نخواهد داشت.

به اعتقاد نگارنده، به برکت جمهوری اسلامی در جامعه ما بانوان ما تا حدی در حجاب به باور و ایمان رسیده‌اند و بسیاری از آنان فرهنگ حجاب کامل را پذیرفته‌اند که این عمل آنان قابل تقدیس و تمجید است. با این‌همه در خصوص پوشش موها و برخی از مواضع زینت بعضی از بانوان هنوز به مرحله ایمان و یقین نرسیده‌اند که با عذرخواهی از کلیه بانوان محترم به چند علت می‌پردازیم و از خوانندگان استدعا داریم از نقد و حلّ این موضوع دریغ نورزند و نظرات خود را به مجله ارسال کنند.

۱ - اهمیت ندادن

شاید بسیاری از دوشیزگان و بانوان خانه‌دار و یا تحصیل کرده گمان می‌کنند بیرون گذاشتن مقداری از موها در برابر سایر مشکلات اجتماعی چندان اهمیت ندارد و حداکثر این عمل یک گناه کوچک و به اصطلاح صغیره است؛ در صورتی که در جامعه ما گناهان بزرگ‌تری رایج و معمول است، ولی حافظان نظام اسلامی چندان اهمیت نمی‌دهند.^۲

در پاسخ آنان می‌گوییم: قبول داریم که بر باد دادن حیثیت مردم از بدحجابی به مراتب خطرناک‌تر است؛ چون حرمت مؤمن از کعبه بالاتر است و قرآن هم می‌فرماید: «**أَنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**؛^۳ تحقیقاً کسانی که اشاعه فحشا را در میان مؤمنان دوست داشته باشند، خداوند عذاب دردناکی در دنیا و آخرت برای آنان فراهم می‌سازد». مقصود از اشاعه فحشا، بدگویی و افشای عیوب مؤمنان است، اعم از عیوب مالی تا معایب اخلاقی.

هم‌چنین امام صادق (ع) فرمود: «**مَنْ رَوَى عَلِيٌّ مَوْمِنٌ رَوَاهُ يَرِيدُ بِهَا شَيْنَهُ وَ هَدَمَ مَرَوْتَهُ لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ آخِرُ حَرْجِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ وَلايَةِ الْإِلَهِ وَلايَةِ الشَّيْطَانِ**؛^۴ هر کس مطالبی را به ضرر مؤمنی نقل کند و قصدش رسوا کردن و کوبیدن شخصیت او باشد تا بدین وسیله از چشمان مردم بیفتد و در مقابل بر حیثیت و شخصیت خودش افزوده شود، خداوند متعال او را از حوزه ولایت خود بیرون و داخل ولایت شیطان می‌کند.»^۵

۵. همان آیه ۳۰.

۶. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۴۸۸ - ۴۸۹.

۱. مثلاً بدگویی در غیاب مؤمنان و تجسس در امور شخصی آنان که به فرموده رسول اکرم از عمل زنا و بی‌عفتی به مراقب وقیح‌تر و خطرناک‌تر است، رایج است. چه حیثیت‌های بزرگی بر باد رفته و امثال شهید بهشتی و رجایی‌ها قربانی تهمت‌ها و افتراها قرار گرفته‌اند. یا دروغ و مکر و فریب که از بی‌عفتی و می‌گساری کنیفت‌تر و بزرگ‌تر است، شیوع دارد، ولی روحانیون و بعضی ائمه جمعه انتقادات را فقط به بدحجاب‌ها متوجه ساخته و آن را برجسته کرده‌اند. چرا اینان به غیبت‌کنندگان حمله نمی‌کنند، با این‌که نقد آنان سزاوارتر می‌باشد.

پاسخ ما: صحیح است که غیبت کردن از عمل رابطه نامشروع بدتر است؛ چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: کسی که عیب برادر مسلمانش را افشا کند، خداوند عیب او را بر ملا می‌سازد و در میان خانه‌اش او را مفضح و رسوا می‌سازد. در فرمان مالک اشتر فرمود: «باید منفورترین رعیت تو کسی باشد که بیش‌تر از دیگران طالب کشف عیب‌های مردم باشد؛ چرا که در مردم عیوبی است که بر والی و حاکم پوشانیدن آن سزاوارتر است.»

۸. نور (۲۴) آیه ۱۹.

۹. میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۷، حرف ع.

۱۰. همان.

تمام گلایه‌ها و گفته‌های برخی از خواهران صحیح است، لیکن باید توجه داشته باشید که جرم و گناه بزرگ دیگران مجوزی برای ارتکاب گناه ما نمی‌شود. در قرآن می‌فرماید: «و لا یجرمنکم شنآن قوم علی آلا تعدلوا اعدلوا هو أقرب للتقوی؛^{۱۱} جرم و جنایت دیگران باعث نشود که شما هم از مسیر عدالت منحرف شوید. شما عدالت بورزید که به تقوا نزدیک‌تر است»؛ یعنی به مظالم و مفاسد دیگران توجه نکنید، بلکه بر خلاف عصیان دیگران، طبق انصاف و عدالت رفتار کنید؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «کل نفس بما کسبت رهینه»^{۱۲} هر انسانی در گرو اعمالی است که انجام می‌دهد». در سوره زلزال نیز می‌فرماید: «فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره ی و من یعمل مثقال ذره شرّاً یره»^{۱۳} هر کس ذره‌ای عمل خوب یا بد داشته باشد، آن را می‌بیند و به جزا و پاداش می‌رسد.»

با این حساب، غیبت و تهمت که در مقیاس وسیعی در میان مردم و برخی از مسؤولان وجود دارد، هرگز نمی‌تواند عمل بدحجابی بانوان را مشروعیت بخشد و بهانه‌ای برای انجام این گناه باشد.

۲ - غفلت

ممکن است برخی از بانوان مسلمان به دلیل گرفتاری‌ها و اشتغالات زندگی از پوشش موی سر غافل شوند. در این صورت تذکر مشفقانه و منطقی می‌تواند غفلت را برطرف کند و آن بانوی عقیف را به پوشاندن بیش‌تر موها وادار کند. اغلب بانوان در این مسئله گرفتار غفلت‌اند. مشکلات اقتصادی و فقر فرهنگی و مالی و بی‌توجهی دست‌اندرکاران به مطالبات بر حق بانوان آنان را به این نوع غفلت‌ها وادار می‌سازد.

۳ - عادت

ممکن است برخی از بانوان از دوران کودکی تاکنون بر این رویه عادت کرده باشند، لیکن مجرد عادت مجوزی برای تداوم گناه نیست. بعضی از مسلمان‌های صدر اسلام به برخی معاصی مانند قماربازی و شراب‌خواری عادت کرده بودند، لیکن به مجرد ظهور اسلام عادت‌ها را کنار گذاشتند و شیشه‌های شراب و آلات قمار را به دور انداختند.

* * *



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۱. مائده (۵) آیه ۸

۱۲. مدثر (۷۴) آیه ۳۸

۱۳. زلزال (۹۹) آیه ۷ و ۸